

يك طرح ابتكاری

برای از هم پاشیدن خانواده‌ها!

تندرویهها و مطالب مسموم پاره‌ای از مجلات که بنام زن امروز منتشر می‌گردد موجی از خشم و تنفر در غالب طبقات بوجود آورده ، و این تنفر عمومی بسیاری از مطبوعات مرکز را به انتقاد صریح و کوبنده از روش نامطلوب مجله مزبور دعوت نمود است . امامثل اینکه گردانندگان سودجوی مجله مزبور نمیخواهند این واقعیت را درک کنند و از این خواب خرگوشی بیدار شوند و در روش خود تجدید نظری بعمل آورند ، در این اواخر بغیال اینکه کسب محبوبیتی در میان زنان کشور نمایند دست بنغمه تازه‌ای زدند که بیش از پیش مایه رسوائی و نفرت بود .

این نغمه ، همان تشکیل يك سمینار خصوصی بعنوان « بررسی حقوق زن ایرانی » و بدنبال آن تنظیم يك پیشنه‌ها چهل ماده‌ای برای تغییر قانون مدنی بود آن سمینار ، و این « طرح چهل ماده ای » که فرزندان مشروع آنست بقدری زنده و اقتضاح آمیز بود که سازمان زنان ایران از آن ابراز تنفر نموده و تصریح کردند که این موضوع هیچ گونه ارتباطی با آنها ندارد .

ولی برای اینکه روشن شود که افکار ناتوان و عللیل گردانندگان این مجله چه، خوابهایی برای خانواده های این مملکت میبینند لازم میدانیم يك بررسی اجمالی در باره چند قسمت از طرح مزبور نموده و بار دیگر بتمام خانواده‌ها اعلام خطر نمائیم .

جالب توجه اینکه مجله مزبور پس از تنظیم این طرح چهل ماده‌ای که بگفته اوزیر نظر چهار تن از حقوقدانهای برجسته!! تهیه شده ، کوبنهای مسخره ای منتشر ساخته و از خوانندگان خودرأی خواسته است (توجه داشته باشید در اختیار هر يك از خوانندگان خود چندین کوبن گذاشته است) ،

این طرز رأی گرفتن ، آنهم در يك سلسله مطالب حقوقی که صد درصد جنبه تخصصی دارد علیل بودن افکار گردانندگان مجله مزبور را روشنتر میسازد ، زیرا اینگونه مسائل مسائلی نیست که در دست و پای عامه مردم ریخته شود ، مراجعه با افکار عمومی (با افکار جمعی از مردم) در اینگونه مسائل دقیق تخصصی درست مثل اینست که برای تشخیص **داروهای ضد وبا** و یا راه حل **بحرانهای ارزی** با افکار عمومی مراجعه نمائیم ، تنها در کلیات مسائل (مثلاً بهبود وضع خانوادهها و زنان) میتوان مراجعه با افکار عمومی کرد که آنهم مورد تردید نیست و همه آنها را قبول دارند .

در هر حال پیشنهاد چهل ماده‌ی مزبور اگر فرضاً روزی بمورد اجرا گذاشته شود نه تنها وضع خانواده‌ها را بهتر نمیکند بلکه بمراتب بدتر خواهد کرد و بسیاری از خانواده‌ها را از هم متلاشی خواهد ساخت ، اکنون بتوضیحات منطقی زیر در این زمینه توجه کنید :

* * *

البته جای تردید نیست که در شرائط کنونی وضع خانواده‌ها رضایت بخش نمی باشد و روابط داخلی آنها گرفتار هرج و مرج‌هایی است ، چه بسیارند مردانی که از اختیارات قانونی و شرعی خود سوء استفاده و نسبت به سران و فرزندان خود تعدی و ستم میکنند و بدون شک باید جلو این سوءاستفاده‌ها را با شدت هر چه تمامتر گرفت ، ولی این امر نباید سبب شود که ما دچار احساسات بی موردی شده و طرحهای غلطی بریزیم که بکلی اساس خانواده‌ها را از هم متلاشی سازد .

این حقوقدانهای برجسته که این طرح ابتکاری را تنظیم کرده‌اند راستی افراد بسیار بی اطلاعی بوده‌اند زیرا مرتکب اشتباهات عجیب و غریبی شده‌اند ، اولین اشتباه بزرگ آنها اینست که :

این پیشنهادها کاملاً یک جانبه است .

يك طرفه بودن این پیشنهادها در اولین نظر کاملاً روشن است ، ماده دوم از این چهل ماده میگوید : « موقعیت حقیقی زن بعنوان رکن اساسی خانواده با او اگذار گردد .. » توجه داشته باشید میگوید : بعنوان رکن اساسی خانواده نه یکی از ارکان اساسی خانواده و با این ترتیب پیشنهاد فرموده که بعد از این رکن اساسی خانواده تنها زنان باشند . بسیار خوب ممکن است بگوئیم این يك اشتباه لفظی است که « چهارتن از حقوقدانهای برجسته » بر اثر دستپاچگی مرتکب شده‌اند و مواد دیگر این پیشنهاد حقیقت را روشن میسازد .

ولی موضوع یکطرفه بودن این پیشنهادها را مواد دیگر بخوبی اثبات میکند مثلاً :

در این پیشنهادها برای زنان در تمام موارد بدون استثناء حقوق و مزایای مساوی مردان در نظر گرفته شده با این حال معلوم نیست چرا مسئله حق نفقه را برای زن همچنان حفظ کرده اند ؟ چه دلیلی دارد که « رکن اساسی خانواده » از رکن غیر اساسی « یا از رکن اساسی دیگر مطالبه نفقه کند ؟ بخصوص اینکه در ماده (۱۹) میگوید حق نفقه در برابر تمکین خاص زن نیست و در ماده (۱۶) میگوید : « مرد وزن هردو مشترکاً موظف بامور خانه و تربیت فرزند، میباشد » بنابراین مسئله نظافت و تهیه غذا و حتی شستشوی ظرفها و آنچه از این قبیل است باید بطور عادلانه میان هردو تقسیم گردد . و از نظر شغل بیرون منزل نیز هردو طبق ماده (۱۰) برابر هستند ، با این حال آیا الزام شوهر به نفقه کار غلط و ظالمانه ای نیست ؟ مخصوصاً در ماده (۹) تصریح میکنند که « اگر مرد با وجود داشتن قدرت مالی و با وجود احتیاج زن به نفقه از تأمین وسیله آبرو مندانه زن امتناع نماید این مطلب کاشف از عدم علاقه وی بزندگی زناشویی خواهد بود و دادگاه میتواند او را طلاق بدهد .. »

خوب بود این جمله را هم اضافه میفرمودند که در صورتیکه زن قدرت مالی داشته باشد موظف است نفقه و کسوة آبرو مندانه « شوهر » نیازمند خود را بپردازد و در صورت تخلف ، شوهر حق دارد طلاق خود را بوسیله دادگاه از چنان زنی بگیرد !

ممکن است تنظیم کنندگان این پیشنهاد بگویند : مادرماده (۱۹) حق نفقه را بمعنی استفاده زن از مال مشترک تفسیر کرده ایم ولی باید گفت در این صورت هیچ مفهومی نخواهد داشت و بکلی باید موضوع نفقه از قانون مدنی حذف شود وزن و مرد هردو باید بتوانند از اموال یکدیگر استفاده نمایند همچنین هردو مجبور باشند کار کنند ، زیرا الزام مرد به تنهایی بکار کردن و تولید مال مشترک بسیار ظالمانه است .

و اگر حق نفقه را از قانون مدنی بکلی حذف نمائیم وزن و مرد بطور مساوی مجبور بکار کردن باشند اساس بیشتر خانواده ها از هم خواهد پاشید و زنان را در شرایط سخت و وقت باری قرار خواهد داد ، اینها با این طرح غلط خود ضربه سنگینی بر پایه سعادت و خوشبختی خانواده ها مخصوصاً زنان وارد آورده اند .

۲ - این پیشنهادها دعوا درست کن است

تنظیم کنندگان این پیشنهادها يك اصل اساسی را در موضوع بهبود حال خانواده ها بکلی فراموش کرده اند و آن موضوع « ارزشهای اخلاقی و تقویت مبانی ایمان » است . اساس خانواده باید قبل از هر چیز بر پایه صفا و صمیمیت و محبت و اخلاق و ایمان استوار گردد ، باید طرحهای وسیعی برای راهنمایی خانواده ها و بالا بردن سطح فکر و تقویت اصول

اخلاقی خانواده تهیه نمود، و الامحال است مشکلات خانواده تنهادر چهار چوبه قوانین خشک و داد گاهها حل شود.

زن و مرد شریک یکدیگر هستند و اگر در میان دو نفر شریک که يك عمر در تمام شئون حیاتی میخوابند باهم باشند اصل محبت و اخلاق و ایمن حکومت نکند و تنها بخوایم از طریق تشدید قوانین خشک، سعادت آنها را تأمین نمائیم اشتباه بزرگی کرده ایم.

نکته قابل توجه اینسکه تجربه نشان داده دخالت زیاد قوانین در امور مربوط بخانواده نتیجه بسیار نامطلوبی بهار میآورد، زیرا غالب مسائل خانوادگی باید از طریق راهنماییهای صحیح در محیط خود خانواده و بوسیله دوستان و بزرگان فامیل حل گردد، مراجعه بداد گاه (جز در موارد ضرورت) صفا و صمیمیت خانواده را بکلی متزلزل میکند و اگر دادگاه يك صالح عوقتی هم ایجاد کند از قبیل «صلح، صلح، صلح» است باید دخالت قوانین در امور خانواده کاملاً محدود بموارد لزوم و ضرورت باشد این يك واقعیت محسوس است.

ولی این پیشنهاد چهل ماده ای لغتی دست قوانین را در کوچکترین و جزئی ترین مناسبات خانوادگی باز کرده و هر موضوع کوچکی را بداد گاه ارجاع نموده است و این یکی از اشتباهات بزرگ و غیر قابل بخشش این چهار نفر حقوقدان برجسته است

مثلاً در ماده (۲۰) میگوید: «سوء معاشرت (که بداد گاه حق طلاق میدهد) باید بمعنی حقیقی و وسیع خود که همان بدی اخلاق و رفتار است منظور گردد تا زوجین بتوانند در خصوص طرز رفتار داخلی و خارجی یکدیگر... بداد گاه شکایت کنند».

باتوجه بوسعت دایره این ماده و کشدار و دن آن، و باتوجه باینکه غالب مردان و زنان خالی از نقاط ضعف اخلاقی نیستند همه روزه پای یکی از زن و شوهر در دادگاه خواهد بود، زیرا هر نوع بد رفتاری و سوء اخلاقی قابل شکایت است، آیا خود تنظیم کنندگان این پیشنهادها میتوانند ادعا کنند که در هیچ موردی از زندگی زناوئی مطلقاً بد رفتاری و سوء اخلاقی ندارند و از تمام نقاط ضعف پاک و پاکیزه و منزله و مبراهستند ۱۹

نمونه دیگر، در ماده (۲۱) میگوید: طلاق که داد گاه میدهد (بنا بر اینکه طلاق بدست دادگاه بیافتد) باید بائن باشد یعنی شوهر حق رجوع نخواهد داشت این ماده نیز ماده عجیبی است زیرا میدانیم بسیاری از مردان و زنان تحت تأثیر عوامل زود گذری حاضر بطلاق میشوند و ممکن است مدارکی هم برای داد گاه در دست داشته باشند، اما چیزی نمیکند که آتش خشم آنها فرومی نشیند و حاضر بگذشت از پاره ای از حقوق خود و صلح و آشتی میگردند، ولی این پیشنهاد دعوا درست کن، راه صلح و آشتی و رجوع را بکلی بسته است و طرفین را مجبور میکند مجدداً تشریفات ازدواج را انجام دهند.

یکی از مواد کاملاً دعوا درست کن و بسیار ظالمانه این پیشنهاد که سند زنده بی اطلاعی پیشنهاد کنندگان است ، ماده (۲۸) میباشد .

این ماده میگوید : « زن و شوهر نسبت به ادا رانی و اموال شخصی یکدیگر بعد از امضای پیمان ازدواج و کالت خواهند داشت . و تصرفات آنها در اموال و حقوق یکدیگر در حدود مصالح خانواده و مصارف ضروری مجاز باشد ... »

این و کالت عجیب که حتی در محیطهای کمونیستی هم وجود ندارد به زن و شوهری اجازه میدهد که آزادانه از اموال یکدیگر برداشته در مخارج با اصطلاح ضروری خود صرف کنند ، ناگفته پیدا است « مصارف ضروری » یک معنی کاملاً کش دار و وسیع است که بر سر تمام جزئیات آن میان طرفین دعوا در میگیرد ، بعلاوه اگر زنی اموال قابل توجهی داشته باشد دلیلی ندارد که شوهر او زیاد زحمت کسب و کار را بخود تحمیل کند زیرا و کالت تامه دارد که از مال زن طبق این پیشنهاد استفاده نماید .

بدیهی است که این پیشنهاد نه بسود زن است و نه بنفع خانواده ، بلکه طرفین را به تنبلی و شانه خالی کردن از زیر بار کار و فعالیت تشویق مینماید ، بعلاوه دعوا درست کن عجیبی است . و از همه اینها گذشته معلوم نیست یک چنین و کالت اجباری و بی منطق را که با هیچیک از موازین قانون مدنی و قوانین شرعی سازگار نیست از کجا در آورده اند .

از نظر قوانین شرعی و عرفی زن و مرد هر کدام نسبت به اموال خود صاحب اختیار مطلق میباشد و هیچکدام بدون اجازه دیگری حق تصرف در اموال او را ندارد ، مگر اینکه طوری باهم صمیمی شوند که باختیار خود بدیگری و کالت دهند ، و در این صورت تصرفاتشان در حدود و کالت تا زمانی که عزل از و کالت نشده اند صحیح است .

ماده (۲۴) میگوید « پدر و مادر هر دو باید بالاستقلال نسبت به فرزندان مشترک صغیر خود ولایت داشته باشند » ، این ماده نیز علاوه بر اینکه دعوا درست کن است مصالح فرزندان را فراموش کرده و برای حفظ نام تساوی حقوق فرزندان را بدبخت کرده و آنها را در وضع نامطلوب و کشمکش شدید قرار میدهد .

* * *

۳- در این مورد قوانین اسلام نادیده گرفته شده است

ما باید قبل از هر چیز فکر کنیم مسلمانیم و در یک کشور اسلامی زندگی میکنیم که قانون اساسی آن بر پایه اسلام استوار شده . اسلام همیشه ضامن همبستگی ملت ما و استقلال کشور ما بوده است ، قوانین اسلام را هم بگفته این و آن نمیشود تغییر داد . خوشبختانه در اسلام قوانین فراوانی برای بهبود وضع خانواده ها ، مخصوصاً طبقه بانوان ،

داریم ، ما نباید اصرار داشته باشیم که طرز روابط زناشویی مادر تمام موارد تقلیدی از طرز روابط زناشویی غربی، باشد، اگر قوانین مذهبی ما با طرز تفکر غربیها تطبیق نکرد ما نباید فوراً قوانین مذهبی خود را نادیده گرفته ، و یا برای فرار از آنها دست بتوجیحات بی مورد بزنیم . ما باید فلسفه این قوانین آسمانی را بدقت بررسی کنیم و از قضاوت عجولانه که نتیجه اش مواد چهل گانه فوق است جداً پرهیزیم .

این شوخی است که ما بگوئیم اسلام اجازه میدهد طلاق (بطور درست) در اختیار دادگاه باشد ، یا تعدد زوجات مطلقاً ممنوع است، و یا ازدواج موقت را در هر شرائطی تحریم نموده است، کسانیکه این سخنان را میگویند یا اطلاع از متون اصلی اسلامی ندارند و یا خودشان میدانند شوخی میکنند .

ولی يك نکته قابل توجه در اینجا هست که ما در اسلام راههای قابل توجهی برای جلوگیری از سوء استفاده مردان از اختیارات خود ، یا برای احقاق حقوق بانوان ، داریم. چه بهتر که آن راهها تحت مطالعه قرار گیرد .

ما پیشنهاد میکنیم هیئتی از دانشمندان روحانی و حقوقدانهای مطلع در يك محیط خالی از تعصب و جنجال بنشینند راههایی را که از نظر فقه اسلام برای بهبود وضع خانواده ها و جلوگیری از اجحاف و تعدی مردان و احقاق حقوق زنان قابل قبول است و اجرای آنها باعث تحکیم روابط خانوادگی و صمیمیت و خوشبختی و سعادت زنان و مردان و فرزندان میشود در نظر بگیرند و طرحی بر اساس آن تنظیم نمایند . در پایان این بررسی اجمالی بدینست نظر طراحان طرح مزبور داده مورد آمیزشهای نامشروع و دختران و پسران بدانیم و به بینیم چه تحفه تازه ای برای اجتماع ما آورده اند، بدانیم نتیجه این طرحهای کثیف که از مغزهای علیل و ناتوانی تراوش نموده چیست و چگونه پسران و دختران را بلجنزار بی عفتی و فساد اخلاق میکشاند.

در ماده ۳۰ تقاضای تشدید مجازات «روابط نامشروع زنان شوهر دار و مردان متاهل با دیگری» شده است (مفهوم این ماده آزادی زنان بی شوهر و مردان غیر متاهل است) و در ماده «۲۶» اضافه میکند : حدود مباشرتهای مجاز دخترها و پسرها مطابق موادی که بقانون ازدواج باید اضافه شود تعیین گردد و برای حدود ممنوع آن ضمانت اجرائی متناسب مقرر گردد تا حوادثی نظیر قتل سرینها و زهرها پیش نیاید ...

مفهوم این ماده اینست که قانون باید از معاشرت و معاشرت و ... دختران و پسران حمایت کند منتهی ترتیبی بدهد که منجر بحوادثی نظیر قتل سرین و زهره نگردد ! یعنی بطور صاف و پوست کنده : همه کار بکنند اما یکدیگر را نکشند ! آیا این است معنی حمایت از حقوق زن و اصلاح وضع خانواده ها ؟ !